



معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت

دکتر ابوالفضل گائینی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۹

گائینی، ابوالفضل، ۱۳۴۴ -
معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت / ابوالفضل گائینی؛ ویراستار حیدر فروزان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۱۳۹۹.
بازده، ۲۳۶ص: مصور، جدول، نمودار. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۲۷: مدیریت؛ ۳۶)
ISBN: 978-600-298-259-9
بها: ۳۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۳۱] - ۲۳۶.
نمایه.
۱. مدیریت (اسلام). ۲. Management -- Religious aspects -- Islam. ۳. علم مدیریت.
۴. Management science. ۵. شناخت (جامعه‌شناسی). ۶. Knowledge, Sociology of. ۷. شناخت (فلسفه اسلامی).
۸. Knowledge, Theory of (Islam). الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
BP۲۳۲/۶۷
۲۹۷/۶۵۸
شماره کتابشناسی ملی
۵۶۸۰۱۶۷



معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت

مؤلف: دکتر ابوالفضل گائینی

طراح آموزشی: امیر حسین‌زاده

ویراستار: حیدر فروزان

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۲۵ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درس های «فلسفه مدیریت اسلامی» و «بررسی و تحلیل فلسفی تئوری های سازمان و مدیریت» در مقطع دکتری رشته مدیریت فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه مندان به این زمینه تحقیقی نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مؤلف محترم اثر آقای دکتر ابوالفضل گائینی و ناظر محترم طرح، جناب آقای دکتر حسن عابدی جعفری تشکر و سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
پیشگفتار.....	۳

فصل اول: کلیات

مقدمه.....	۵
مبحث اول: مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی.....	۷
مقدمه.....	۷
۱. چرایی نگارش این کتاب.....	۸
۲. هدف اصلی این کتاب.....	۱۱
۳. مفاهیم کلیدی.....	۱۳
خلاصه مبحث.....	۱۶
پرسش‌ها.....	۱۶
بحث و پژوهش.....	۱۷
منابعی برای بحث و پژوهش.....	۱۷
مبحث دوم: نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی.....	۱۸
مقدمه.....	۱۸
۱. انسجام‌گرایی معرفتی.....	۱۸
۲. مبنای‌گرایی معرفتی.....	۱۹
خلاصه مبحث.....	۲۲
پرسش‌ها.....	۲۲
بحث و پژوهش.....	۲۳
منابعی برای بحث و پژوهش.....	۲۳
مبحث سوم: نظریه‌های صدق.....	۲۴
مقدمه.....	۲۴

۲۶	۱. نظریه مطابقت
۲۸	۲. نظریه انسجام
۲۹	۳. نظریه عمل گرایی
۳۱	خلاصه مبحث
۳۲	پرسش ها
۳۲	بحث و پژوهش
۳۲	منابعی برای بحث و پژوهش
۳۳	مبحث چهارم: مدیریت اسلامی
۳۳	مقدمه
۳۳	۱. مدیریت
۳۶	۲. مدیریت اسلامی
۳۹	خلاصه مبحث
۴۰	پرسش ها
۴۰	بحث و پژوهش
۴۰	منابعی برای بحث و پژوهش

فصل دوم: معرفت شناسی اثبات گرا

۴۱	مقدمه
۴۲	مبحث اول: معرفی اثبات گرایی
۴۲	مقدمه
۴۳	۱. چپستی علم
۴۳	۲. پیشینه شناسی رویکرد تجربه گرایی (اثبات گرایی)
۴۴	۳. ویژگی های رویکرد اثبات گرایی
۴۵	۴. علوم طبیعی و ویژگی های آن
۴۹	خلاصه مبحث
۵۰	پرسش ها
۵۰	بحث و پژوهش
۵۰	منابعی برای بحث و پژوهش
۵۱	مبحث دوم: معرفت شناسی اثبات گرا و علوم انسانی
۵۱	مقدمه
۵۱	۱. چپستی علوم انسانی
۵۲	۲. تشابه روش پژوهش در علوم طبیعی و انسانی از منظر اثبات گرایی
۵۳	۳. اثبات گرایی منطقی و ویژگی های آن
۵۵	خلاصه مبحث
۵۶	پرسش ها

۵۶	 بحث و پژوهش
۵۶	 منابعی برای بحث و پژوهش
۵۷	 مبحث سوم: تاریخچه و رویکردهای علم مدیریت
۵۷	 مقدمه
۵۷	 ۱. تاریخچه علم مدیریت
۵۹	 ۲. مدیریت علمی
۶۰	 ۳. دیدگاه‌های نئوکلاسیک در مدیریت
۶۰	 ۴. تئوری منابع انسانی در مدیریت
۶۱	 ۵. تئوری سیستمی در مدیریت
۶۲	 ۶. تئوری اقتضا
۶۳	 ۷. اثبات‌گرایی و علم مدیریت
۷۰	 خلاصه مبحث
۷۲	 پرسش‌ها
۷۳	 بحث و پژوهش
۷۳	 منابعی برای بحث و پژوهش
۷۴	 مبحث چهارم: نقد رویکرد معرفت‌شناسی اثبات‌گرا
۷۴	 مقدمه
۷۵	 ۱. نقدهای مطرح‌شده بر رویکرد اثبات‌گرایی
۷۷	 ۲. برداشت‌های متفاوت از واقعیت‌گرایی
۷۸	 ۳. نظریه عقلانیت انتقادی پوپر
۷۹	 ۴. دیدگاه مخالفان پوپر
۸۰	 خلاصه مبحث
۸۱	 پرسش‌ها
۸۲	 بحث و پژوهش
۸۲	 منابعی برای بحث و پژوهش

فصل سوم: معرفت‌شناسی ضد اثبات‌گرایی در علوم انسانی

۸۳	 مقدمه
۸۵	 مبحث اول: رویکرد تفسیری
۸۵	 مقدمه
۸۵	 ۱. رویکردهای معرفت‌شناسی معناگرا
۸۶	 ۲. تاریخچه و ویژگی‌های رویکرد تفسیری در مطالعات علوم اجتماعی
۹۰	 ۳. رویکرد تفسیری در مطالعات سازمان و مدیریت
۹۵	 خلاصه مبحث
۹۷	 پرسش‌ها

۹۷	 بحث و پژوهش
۹۷	 منابعی برای بحث و پژوهش
۹۸	 مبحث دوم: رویکرد هرمنوتیک در مطالعات علوم اجتماعی
۹۸	 مقدمه
۹۸	 ۱. مقایسه دو رویکرد هرمنوتیک و تفسیری
۱۰۰	 ۲. تاریخچه هرمنوتیک
۱۰۵	 ۳. مفاهیم و مباحث اساسی در هرمنوتیک
۱۰۸	 ۴. تفاوت رویکردهای معرفت‌شناسی میان علوم طبیعی و علوم انسانی
۱۱۰	 خلاصه مبحث
۱۱۲	 پرسش‌ها
۱۱۲	 بحث و پژوهش
۱۱۲	 منابعی برای بحث و پژوهش
۱۱۳	 مبحث سوم: رویکرد هرمنوتیک در مطالعات سازمانی و مدیریت
۱۱۳	 مقدمه
۱۱۳	 ۱. رویکردهای هرمنوتیک در سازمان
۱۱۵	 ۲. اشکال‌های وارد شده بر رویکرد هرمنوتیک
۱۱۶	 ۳. عصر روایت‌گری
۱۱۷	 ۴. فرهنگ سازمانی، نمادگرایی و زیبایی‌شناختی
۱۱۹	 ۵. کاربرد روش‌های معناکاوانه در فهم فرهنگ سازمان اسلامی
۱۲۲	 خلاصه مبحث
۱۲۴	 پرسش‌ها
۱۲۵	 بحث و پژوهش
۱۲۵	 منابعی برای بحث و پژوهش

فصل چهارم: معرفت‌شناسی‌های ساختارشکن در نظریه‌های علوم انسانی

۱۲۷	 مقدمه
۱۲۸	 ۱. دیدگاه میشل فوکو
۱۳۰	 ۲. دیدگاه فوکو و دانش مدیریت
۱۳۱	 ۳. دریدا و معناکاوی در سازمان
۱۳۳	 خلاصه فصل
۱۳۴	 پرسش‌ها
۱۳۴	 بحث و پژوهش
۱۳۴	 منابع برای بحث و پژوهش

فصل پنجم: فرهنگ و مدیریت

۱۳۵	مقدمه
۱۳۶	مبحث اول: مدیریت فرهنگی یا فرافرهنگی
۱۳۶	مقدمه
۱۳۶	۱. تعریف فرهنگ
۱۳۸	۲. فرهنگی یا فرافرهنگی بودن مدیریت
۱۴۰	۳. میزان تأثیر زمینه‌های فرهنگی بر قابلیت تعمیم دانش مدیریت
۱۴۰	۴. تأثیر زمینه‌های فرهنگی بر مسائل عام حوزه دانش
۱۴۳	خلاصه مبحث
۱۴۵	پرسش‌ها
۱۴۵	بحث و پژوهش
۱۴۵	منابعی برای بحث و پژوهش
۱۴۶	مبحث دوم: فرهنگ اسلامی و مدیریت
۱۴۶	مقدمه
۱۴۶	۱. تأثیر فرهنگ اسلامی بر مدیریت
۱۴۹	۲. منابع غیرمعرفتی مؤثر بر پژوهش‌های مدیریتی
۱۵۱	خلاصه فصل
۱۵۲	پرسش‌ها
۱۵۳	بحث و پژوهش
۱۵۳	منابع برای بحث و پژوهش

فصل ششم: معرفت‌شناسی دینی

۱۵۵	مقدمه
۱۵۶	مبحث اول: معرفت‌شناسی از دیدگاه حکمای اسلامی
۱۵۶	مقدمه
۱۵۷	۱. معرفت‌شناسی و ارکان آن
۱۵۸	۲. معقولات اولی و ثانیه
۱۵۹	۳. ابزارهای معرفت
۱۶۲	۴. معیارهای صدق در معرفت
۱۶۴	خلاصه مبحث
۱۶۵	پرسش‌ها
۱۶۶	بحث و پژوهش
۱۶۶	منابعی برای بحث و پژوهش
۱۶۷	مبحث دوم: معرفت‌شناسی در قرآن مجید
۱۶۷	مقدمه

۱۶۸	۱. امکان شناخت واقع.....
۱۶۹	۲. راه‌های معرفت در قرآن کریم.....
۱۷۰	۳. شرایط و موانع معرفت.....
۱۷۳	خلاصه مبحث.....
۱۷۴	پرسش‌ها.....
۱۷۴	بحث و پژوهش.....
۱۷۴	منابعی برای بحث و پژوهش.....

فصل هفتم: معرفت‌شناسی دینی و دانش مدیریت اسلامی

۱۷۵	مقدمه.....
۱۷۷	مبحث اول: ماهیت مدیریت از منظر معرفت‌شناسی دینی
۱۷۷	مقدمه.....
۱۷۸	۱. مفهوم‌شناسی و ویژگی‌های فناوری نرم.....
۱۸۲	۲. مدیریت و فناوری نرم.....
۱۸۹	۳. شباهت‌های اعتباریات و فناوری‌های نرم.....
۱۹۱	۴. «مدیریت»، معقول اولی یا ثانی؟.....
۱۹۲	۶. پیامد کاربردی نگرش «اعتباری» به «مدیریت».....
۱۹۴	خلاصه مبحث.....
۱۹۶	پرسش‌ها.....
۱۹۶	بحث و پژوهش.....
۱۹۶	منابعی برای بحث و پژوهش.....
۱۹۷	مبحث دوم: ابزارهای معرفتی در مدیریت اسلامی
۱۹۷	مقدمه.....
۱۹۸	۱. به‌کارگیری فرآورده‌های تجربی و عقلی در مدیریت اسلامی.....
۲۰۰	۲. به‌کارگیری فرآورده‌های قلبی (نقل) در مدیریت اسلامی.....
۲۰۱	۳. تعارض میان یافته‌های سه‌گانه.....
۲۰۲	۴. پیش‌فرض‌های تعارض.....
۲۰۴	۵. راه‌حل تعارض.....
۲۰۵	خلاصه مبحث.....
۲۰۷	پرسش‌ها.....
۲۰۷	بحث و پژوهش.....
۲۰۷	منابعی برای بحث و پژوهش.....

پیوست: نمونه‌ای از تأثیر معرفت‌شناسی دینی بر مدیریت اسلامی

تبیین فلسفی از رویکرد مکانیکی و آشوب در تئوری سازمان به همراه رویکرد فلسفه اسلامی به تئوری

سازمان..... ۲۰۹

تبیین نظم در تئوری سازمان با سه رویکرد مکانیکی، آشوب‌گرایی، و فلسفی اسلامی..... ۲۰۹

بحث و نتیجه‌گیری..... ۲۲۵

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی و عربی..... ۲۲۷

ب) منابع انگلیسی..... ۲۳۰

نمایه‌ها

نمایه آیات..... ۲۳۳

نمایه اصطلاحات..... ۲۳۴

مقدمه

رویکردهای فلسفی به دانش مدیریت و سازمان، نمایان کردن دانش‌هایی است که در پس زمینه ذهن صاحب‌نظران دانش مدیریت و سازمان بوده است و بر این گمان پای می‌فشارد که این صاحب‌نظران در خلأ نسبت به مسائل این دانش، اندیشه‌ورزی نکرده‌اند؛ بل متأثر از فضای معرفتی - اجتماعی بوده‌اند که در آن زیست می‌کرده‌اند. از مولفه‌های اساسی این فضا می‌توان از معرفت‌شناسی نام برد که زیربنای دیگر مولفه‌ها همچون انسان‌شناسی و هستی‌شناسی است. بخش مهم کتاب حاضر، به مبانی معرفت‌شناسی اسلامی و امکان تأثیر بالقوه آن بر دانش مدیریت و سازمان پرداخته است. اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ آنچه ذهن نویسنده را از میان مفاهیم معرفتی که در ادبیات فلسفه اسلامی وجود دارد، به خود جلب کرد؛ مفهوم اعتباریات بود. به گمان نویسنده، مفهوم اعتباریات، احتمالاً، نزدیک‌ترین مفهوم به دانش مدیریت و سازمان است. از این‌روی، به بازنگری این مفهوم در ادبیات فلسفه اسلامی پرداخته شد و پیامدهای معرفت‌شناختی و کاربردی آن در این دانش گمانه‌زنی و نتیجه آن، با همه کمبودها و نواقص، اثر حاضر شد.

تشکر خاص دارم از محقق ارجمند، جناب آقای سجاد امینی، که با نکته‌سنجی‌ها و دقت‌نظری‌های ویرایشی و محتوایی خود باعث غنا بخشی این اثر گردیدند. و نیز از دیگر استادان بزرگواری که با معرفی این اثر به‌عنوان منبع درسی در مقطع دکتری رشته مدیریت، پیچیدگی‌های مفهومی و احیاناً خطاهای آن را گوشزد کردند و راه را برای ویرایش آن گشودند؛ تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از کارشناس محترم گروه آقای سیدمحمدامین حسین

قدردانی می‌کنم که از ابتدا تا انتهای ویرایش اثر، مددکار و پیگیر بودند. از همکاران واحد آماده‌سازی و چاپ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نیز تشکر می‌کنم.

خداوند منان را سپاسگزارم که من را بر سر سفره فیلسوفان بزرگ مسلمان و نیز استادان گران‌قدر مدیریت نشاند تا از ترکیب آن، شاید، طعامی دلپذیرتر و مطبوع‌تر بر کام دانش این مرزو بوم نشانده شود.

ابوالفضل گائینی

پیشگفتار

دیر زمانی نیست که دانش مدیریت به عنوان یکی از رشته های علمی در مجامع دانشگاهی شناخته شده است؛ اما پیش از آن، تحولات اجتماعی و پیشرفت های صنعتی در دو قرن اخیر سبب شد تا مقوله مدیریت با رویکرد علمی نگریسته شود. این رویکرد از آغاز پیدایش تاکنون با تحولات شگرفی همراه بوده است. نخست، آنچه برای صاحب نظران مدیریت اهمیت داشت، افزایش هرچه بیشتر کارایی سازمان به معنای بهره وری حداکثری از منابع و امکانات بود و آنچه از یاد رفت، انسان بود و انگیزه ها، نیازها، عواطف و منزلت او به عنوان تعیین کننده ترین عامل در فرایند فعالیت های سازمانی؛ اما الزام های اجتماعی و توسعه دانش روان شناسی این ازیادرفتگی را چندان به تأخیر نینداخت و دانشوران حوزه مدیریت را بر آن داشت تا با طرح انواع نظریه های روابط انسانی و رفتار سازمانی، این نقیصه را جبران کنند.

این مسیر تحول در تئوری های مدیریت ناشی از این مهم بود که شناخت جامع تر رفتارهای سازمانی انسان، بدون توجه به وضعیت فرهنگی، تاریخی، ارزشی و همچنین نیازهای مادی و معنوی او ممکن نیست. از این رو، نمی توان دانش مدیریت را دانش صرفاً تجربی و به دور از دخالت اخلاق، معنویت و ارزش ها تلقی کرد. از سوی دیگر، درک و فهم دقیق نظریه های مدیریت نیز امکان پذیر نیست، مگر با بررسی بسترهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که در شکل گیری آن نظریه ها نقش داشته اند. بررسی این زمینه ها ما را به لایه های عمیق تر برای بازشناسی نظریه های مدیریت رهنمون می کند؛ به گونه ای که می توان جهت و معنای گزاره های بنیادین را در این نظریه ها شناخت.

این کتاب با بررسی معرفت‌شناسی علوم تجربی به‌طور عام و علم مدیریت به‌طور خاص، جایگاه این علوم را در میان معارف بشری بازشناسی کرده و سپس به تبیین معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی به‌عنوان پیش‌فرض مهم برای ورود به دانش مدیریت اسلامی پرداخته است. همچنین، به‌منظور ارائه توجیه عقلانی برای دانش مدیریت اسلامی و نیز شناسایی مبادی و لوازم منطقی برای شکل‌گیری این دانش، آبشخورهای معرفتی‌ای را شناسایی و معرفی کرده است که این دانش می‌تواند از آنها تغذیه کند.

برای درک محتوای این کتاب، به‌عنوان پیش‌نیاز، لازم است خواننده با سیر تئوری‌های مدیریت و همچنین کلیات مباحث و اصطلاحات فلسفی آشنا باشد و پس از مطالعه دقیق این اثر، انتظار آن است که خواننده از پشت عینک فلسفه و معرفت‌شناسی، تئوری‌های سازمان و مدیریت را نظاره کند و بتواند یک تئوری را با توجه به مبانی معرفت‌شناختی موجود در لایه‌های زیرین آن تحلیل کند.

در مسیر تدوین این کتاب، با عنایت خدای سبحان، با فرهیختگانی همراه شدم که هرکدام با درایت خود چراغ راهنمای من در این پژوهش شدند؛ استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسن عابدی جعفری، که پیش از هرچیز تواضع را به من آموختند و در کنار آن نکاتی بدیع در فن پژوهش و موضوع کتاب ارائه دادند. همچنین، استاد فرزانه حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی که با دقت‌ها و نکته‌سنجی‌های علمی خود، خطاها را گوشزد کردند و مشوق بنده در طول دوره تحقیق بودند و هم از ایشان باید تشکر مضاعفی کرد که به‌عنوان رئیس وقت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همت و تلاش بلند خود، چنین بستر مناسبی را فراهم آوردند تا جویندگان علم و پژوهش با امکانات مناسب‌تری به تحصیل علم و تحقیقات سودمند بپردازند.

فصل اول

کلیات

■ اهداف آموزشی فصل اول

■ هدف کلی: آشنایی با برخی مفاهیم و نظریات مقدماتی معرفت‌شناسی و تئوری‌های مدیریت

براساس هدف کلی این فصل، انتظار از خواننده آن است که پس از مطالعه به اهداف ذیل

دست یابد:

۱. مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی را بشناسد؛

۲. با نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی آشنا شود؛

۳. نظریه‌های صدق را بداند؛

۴. مفهوم و ماهیت مدیریت و مدیریت اسلامی را دریابد.

مقدمه

دانش فلسفه به جهان‌شناسی می‌پردازد؛ یعنی جهان و هستی با کلیت خود، موضوع علم فلسفه است و بنابراین، "وجود" همه آنچه در این هستی هست بدون اینکه شیء به خصوصی مد نظر باشد، موضوع علم فلسفه نیز هست؛ ازاین‌رو، فلسفه نسبت به علوم دیگر عمومیت دارد و به واسطه این عمومیت فلسفه نسبت به دیگر علوم، اندیشه‌های فلسفی زیربنای همه اندیشه‌های دیگرند. بنابراین، برای شناخت تفاوت اساسی نظریات مدیریت و سازمان، باید اندیشه‌های فلسفی را شناخت و ابتدای نظریه‌های مدیریت بر آنان را درک کرد. در حقیقت، اندیشمندان مدیریت، هستی را به گونه‌ای خاص می‌نگرد و توصیف می‌کند (فلسفه) و براساس این نگرش خود، شیوه مشخصی را برای شناختن جهان هستی و به تبع، پدیده‌های سازمانی

(معرفت‌شناسی) تعریف و تجویز می‌کند و در پایان به نظریه‌ای نائل می‌شود که از نگرش او به هستی سرچشمه گرفته است. این فصل که برای بیان کلیات آماده شده، از چهار مبحث «مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی»، «نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی»، «نظریه‌های صدق» و «مدیریت اسلامی» تشکیل شده است.

مبحث اول: مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی

■ هدف کلی: درک مفاهیم اولیه معرفت‌شناسی

■ اهداف آموزشی مبحث اول

براساس هدف مرحله‌ای این مبحث، انتظار از خواننده آن است که پس از مطالعه این مبحث بتواند:

۱. تأثیر پیش‌فرض‌ها بر گزاره‌های مدیریتی دینی را درک کند؛
۲. چرایی طرح مفروضات پیشینی مدیریت اسلامی را بداند؛
۳. حوزه‌های مختلف پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی را بشناسد؛
۴. با مفاهیم پیش‌فرض و معرفت‌شناسی آشنا شود.

مقدمه

اگر مدیریت اسلامی را مجموعه قضایایی بدانیم که در مورد موضوعات خاص و از روش خاص بحث می‌کنند، به‌طور منطقی، این قضایا بدون مبادی و مبانی نظری قابل حصول نیستند. مبادی و مبانی، شکل‌دهنده و جهت‌دهنده‌اند و در روش نیز بر این قضایا (گزاره‌ها) تأثیرگذارند. اشتقاق گزاره‌ها یا قضایا از این مبانی نیز قهری، طبیعی و منطقی است و منظور از «پیش‌فرض‌های اساسی در مدیریت اسلامی»، این‌گونه مبانی است. این مبانی، اگرچه به‌طور مستقیم بیان‌کننده و ناظر بر موضوعات و مسائل مدیریتی نیست، اما آنچه از آن با عنوان «گزاره‌های مدیریتی» یاد می‌شود، به‌گونه‌ای منطقی برگرفته از آنهاست و جدای از آنها قابل حصول و نتیجه‌گیری نیست. بنابراین، پیش‌فرض‌ها، بناهای نظری و زیرین مجموعه گزاره‌های مدیریت اسلامی هستند که گزاره‌ها افزون بر ربط منطقی با آنها، در پیوند با یکدیگر از آنها بهره می‌جویند. به‌دیگر سخن، این مبانی هم گزاره‌ها را شکل می‌دهند و هم انسجام می‌بخشند. همچنین، باید به نقش آنان در روش تحقیق و به دست آوردن گزاره‌های مدیریت اسلامی اشاره کرد. مبانی نظری چنان است که اجازه استفاده از هر ابزاری را برای کشف و داوری در مورد صدق گزاره‌ها نمی‌دهد و خود جداگانه معرّف برخی ابزار صلاحیت‌دار معرفتی و منطقی برای کشف و داوری است.

تأثیر پیش‌فرض‌ها بر گزاره‌های مدیریتی دینی را می‌توان در سه دسته چنین خلاصه کرد:

الف) در شکل‌دهی گزاره‌های مدیریتی؛

ب) در برقراری یک هندسه معرفتی گزاره‌ها، که نشان‌دهنده پیوند و سازگاری آنها با یکدیگر است؛

ج) در ارائه ابزار و روش تحقیق معتبر و مناسب در گردآوری و نقد گزاره‌ها.

به نظر می‌رسد پیش‌فرض‌هایی که در تحقق این سه دسته نقش اساسی دارند، عبارت‌اند از:

۱. معرفت‌شناسی؛^۱ هستی‌شناسی؛^۲ انسان‌شناسی.^۳
- معرفت‌شناسی، به بیان ماهیت معرفت،^۴ منابع معرفت^۵ و حدود و مرزهای معرفت^۶ می‌پردازد؛ در هستی‌شناسی به بیان سطوح مختلف هستی پرداخته و اثبات می‌شود که هستی می‌تواند چند لایه و سطح داشته باشد و نتایج آن بر پیدایش و انتظام گزاره‌های مدیریت اسلامی تأثیر می‌گذارد. در انسان‌شناسی نیز به ساحت‌های وجودی انسان پرداخته می‌شود. کسب هر نتیجه‌ای در بررسی و اثبات این ساحت‌ها، تأثیری در بروز و ظهور گزاره‌های مدیریتی دارد؛ به‌ویژه اینکه محور اساسی و مهم دانش مدیریت، «انسان» است و درواقع، انسان شاه‌کلید بحث‌های علوم انسانی است. مدیریت با تأثیرپذیری از دیگر رشته‌های علوم انسانی، نتایج شناختی آنها را در مورد انسان به کار می‌بندد و از ثمرات آن در بحث‌های مختلف مدیریت سود می‌جوید. از مجموع آنچه در معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حاصل می‌آید، می‌توان هندسه‌ای از گزاره‌های معرفتی در مورد مدیریت در نظر آورد که افزون بر کاربرد عینی و بیرونی، در درون خود نیز از تعامل و هماهنگی برخوردار است.

۱. چرایی نگارش این کتاب

هدف از انتخاب این موضوع، تلاش برای دست یافتن به لوازم نظری، منطقی و معرفت‌شناسانه گزاره‌هایی است که با عنوان مدیریت اسلامی می‌آیند. این گزاره‌ها اگرچه برگرفته از منابع

-
1. epistemology
 2. ontology
 3. human knowledge
 4. nature of knowledge
 5. sources of knowledge
 6. limits of knowledge

اسلامی هستند، اما ذهن گردآورندگان و تدوین‌کنندگان آنها، نمی‌تواند خالی از پیش‌زمینه‌های فکری و فلسفی درباره منابع معرفت و سطوح هستی و ساحت‌های انسانی باشد. پژوهشگر مدیریت اسلامی، با این فرض به جستجو در منابع نقلی اسلام برای یافتن گزاره‌های مدیریتی می‌پردازد که یکی از منابع معرفت، می‌تواند شهود و حیانی – باشد که در قالب نقل تعبدی برای متدینان شکل گرفته است – و این باور، باور دیگری را در خود دارد که اعتقاد به لایه و سطحی بالاتر از سطح مادی هستی است؛ یعنی سطحی که بتواند موطن اشیای مجردی چون وحی یا الهام قرار گیرد. این مجردات، اگرچه در قالب الفاظ به صورت زمینی و مادی درمی‌آیند، اما این وجودی تنزیلی از آنهاست و وجود واقعی آنها، در موطنی هم‌سنخ با خود آنها و عاری از لوابس مادی قرار دارد. سرانجام این منبع معرفت‌زا و این سطح از سطوح هستی، انسانی را می‌طلبد که مرز ماده و مادیت را درنوردد و به دایره مجردات راه یابد تا بتواند معارفی را درک کند که در حس و شهودات حسی نمی‌گنجد. هستی حقیقی چنین انسانی، ناگزیر، از روح مجردی شکل یافته که توان این عروج و صعود و تلقی را دارد.

بحث از امکان علم دینی، امروزه از چالش‌برانگیزترین مباحث مجامع علمی حوزوی و دانشگاهی است. این بحث معمولاً در قالب پروژه‌های تحقیقی، همایش‌ها، کتاب‌ها و... چهره می‌نماید.

این چالش، بر شاخه‌های زیرین علم نیز اثر گذاشته و مدیریت، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های علوم انسانی مورد بحث، طرف دعوای دو گروه قائلان و منکران امکان علم دینی واقع شده است. برخی مدیریت را یک فن و تکنیک می‌دانند و از این لحاظ آن را با جنبه فقهی دین که صرفاً دربردارنده احکام است، متباین می‌شمرند (سروش، ۱۳۷۳: ۵۷) و برخی دیگر، به عکس، به دلیل کاربردی بودن این علم، آن را برای تأثیرپذیری از جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی سزاوارتر می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۲۳) و تعبیر مدیریت اسلامی را بجا و معنادار تلقی می‌کنند.

کتاب حاضر در پی تثبیت یا رد ادعای هیچ‌کدام از طرفین دعوا نیست؛ بلکه در پی آن است که نشان دهد وقتی شخص یا اشخاصی به امکان دستیابی به مدیریت اسلامی معتقدند، باید در آغاز به چه مفروضاتی ملتزم باشند تا بتوانند به مدیریت اسلامی راه یابند. طرح این مفروضات پیشینی چنین مزایایی دارد:

۱. آشکارشدن جایگاه مدیریت اسلامی در میان دیگر مقوله‌های معرفتی؛ با پیش کشیدن پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی، بسیاری از گزاره‌هایی که در آن مطرح می‌شود، ارزش شناختی خود را باز یافته و به‌عنوان بخشی از اجزای مدیریت وارد ساختار این دانش می‌شود. اگر از تأثیر عوامل معنوی، یا غیبی در توفیق یا عدم توفیق برخی سازمان‌ها در رسیدن به اهدافشان بحث شود، بدون فهم مبادی معرفتی، بی‌معنا خواهد بود؛ به‌ویژه در تقابل با علم مدیریت به‌ویژه که عوامل و معارف قدسی در علم مدیریت کم‌رنگ است. برای کسانی که از دانش‌آموختگان این علم هستند، دخیل دانستن این‌گونه عوامل معنوی در مدیریت، بدون فهم پشتوانه فکری و فلسفی آنها قابل درک نیست؛ بنابراین، لازم است برای تبیین جایگاه شناختی این‌گونه مقولات فرامادی، به مبادی نظری و فلسفی آنها پرداخته شود؛

۲. فایده دیگر طرح این مفروضات، به تأویل بردن تعارض احتمالی برخی گزاره‌های مدیریت اسلامی با علم مدیریت، به مبانی فکری و نظری این دو نگرش است. با توجه به برخورداری هر دو علم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» از پیش‌فرض‌های معرفتیِ احیاناً متفاوت با یکدیگر، پیش‌بینی بروز برخی اختلافات در شاخه‌های برآمده از این تفاوت‌ها، منطقی است. تنازع در این شاخه‌ها، بدون درک آن مبانی، فرسایش فکری بی‌حاصلی را در پی دارد؛ اما اگر منشأ این منازعات شناخته شود، هم در انتقال مفاهیم و هم در دفع احتمالی منازعات مؤثر خواهد بود؛

۳. نقش پیش‌فرض‌ها تنها در تبیین دقیق‌تر اختلاف‌ها و تنازع‌ها نیست؛ چه‌بسا گزاره‌هایی در هر دو علم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» یافت شوند که به‌ظاهر مؤید یکدیگر باشند؛ اما در اساس، اختلاف آنان کم نباشد. مثلاً، اهتمام و عنایت به عنصر انسانی در برخی از نگرش‌های مدیریتی، مانند رفتار سازمانی وجود دارد و همین عنایت در مدیریت اسلامی نیز به چشم می‌خورد. ظاهراً این مسئله از هر دوسو مورد تأیید است؛ اما اگر نوع برداشت هر دو دیدگاه عمیق‌تر بررسی شود، مشخص می‌گردد که در نگرش مدیریت اسلامی، انسانی تکریم می‌شود که ربطی وجودی و حقیقی با خدا دارد و چون همه چیز در ظلّ ربوبیت «الله» نگرسته می‌شود؛ انگیزه‌ها، پاداش‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، کنترل‌ها و... نیز در این سمت‌وسو فهم می‌شود؛ اما انسانی مورد تکریم دیدگاه‌های علم مدیریت انسانی است که از عالم قدس بریده و در نیازهای مادی محصور است؛ بنابراین، هدایت، انگیزش و تصمیم‌گیری برای او نیز در همین

جهت معنا می‌یابد؛ گو اینکه ممکن است گاه به عناصر ارزشی مانند عدالت، رفع تبعیض و... نیز در این دیدگاه پرداخته شود که آن هم نه به دلیل تکریم هویت ارتباطی او با خدا، بلکه برای افزایش اثربخشی افراد در تلاش برای رسیدن به اهداف مادی است. این دو دیدگاه ممکن است در برخی از مصادیق، ملازم و همراه یکدیگر درآیند؛ اما بی‌ثباتی این ملازمت و همراهی، در صحنه تراحم آشکار می‌شود؛ دیدگاهی که وجود انسانی را شأنی از شئون حق تعالی و مظهر اسمای الهی می‌بیند، هنگام تراحم کاربرد مقوله‌های ارزشی مانند عدالت از یک‌سو و تأمین منافع مادی از سوی دیگر، تکریم انسانی را اصل قرار می‌دهد و در تأمین منافع مادی به نفع عدالت، تعدیل ایجاد می‌کند؛ اما در دیدگاه دیگر و در هنگام بروز تراحم، دست‌کم، انگیزه‌ای برای روی برگرداندن از منافع مادی به سود اعمال مقوله‌های ارزشی مانند عدالت وجود ندارد. فهم چنین پیش‌فرض‌هایی، پژوهشگر را در برداشت عجولانه و سطحی از تأیید ظاهری برخی گزاره‌های دینی با گزاره‌های مطرح در علم مدیریت بازمی‌دارد.

البته می‌توان فروع دیگری نیز برای مزایای ناشی از شناخت پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی مطرح کرد که از آن چشم می‌پوشیم.

۲. هدف اصلی این کتاب

این کتاب فرض را بر آن می‌گذارد که مجموعه گزاره‌هایی که با عنوان مدیریت اسلامی مطرح می‌شوند، مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی هستند که می‌توانند در سه حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مطرح شوند که هرکدام از این حوزه‌ها، البته در ارتباط با حوزه دیگر، مبنایی نظری برای تئوری مدیریت اسلامی واقع می‌شود. این پیش‌فرض‌ها در قالب سه سؤال زیر قابل طرح هستند:

۱. با اقتباس از فلسفه اسلامی و بر پایه قرآن و سنت، مدیریت اسلامی می‌تواند بر چه بنیان‌های معرفت‌شناسانه‌ای بنا نهاده شود؟

۲. گزاره‌های مدیریتی حاصل از به‌کارگیری این بنیان‌های معرفت‌شناسانه مستلزم چه نوع شناختی از هستی است؟

۳. چنین گزاره‌هایی از مدیریت اسلامی، پژوهشگر را به چه نوع شناخت پیشینی‌ای از انسان ملزم می‌کند؟

با توجه به محدودیت علمی و زمانی، این کتاب درصدد است تا تنها به سؤال اول پاسخ دهد و دو سؤال دیگر را به‌عنوان پیشنهادی برای پژوهش‌های آینده باقی گذارد.

بحث از پیش‌فرض‌های اساسی مدیریت اسلامی به‌نوعی به بحث معرفت‌شناسی باز می‌گردد که در واقع یک بحث درجه یک و پیشینی است. در این مباحث پژوهشگر درصدد است پیش‌فرض‌های مربوط به امکان و نحوه دستیابی به دانش مدیریت اسلامی را از منابع اصیل اقتباس و تعیین کند که این پیش‌فرض‌ها چه لوازمی را برای محقق به همراه می‌آورد؛ یعنی پس از شناسایی و پذیرش پیش‌فرض‌ها، پژوهشگر باید به برخی گزاره‌ها نیز ملزم شود تا در گسترده نظام فکری و پژوهشی خود، پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه‌اش را رعایت کند و ناخودآگاه دچار نقض پیش‌فرض‌ها نشود.

جستجو برای این پیش‌فرض‌ها و لوازم منطقی آن، با کمک از روش عقلی حاصل می‌شود. اگرچه به برخی از این لوازم، در کتاب و سنت نیز پرداخته شده، اما در زمینه معرفت‌شناسی مدیریت، فقط قابل استشهادند، نه استدلال؛ زیرا گام برداشتن در مباحثی مانند اعتبار منابع معرفت و شناسایی لایه‌های هستی از مادی تا مجرد و نیز فهم ساحت‌های جسمانی و روحانی انسان، از مبادی معرفتی است که پیش از ورود به ساحت دین اثبات می‌شوند. البته اشارات دینی، برای اثبات عقلانی و شهود عرفانی چنین مسائلی الهام‌بخش حکیمان و عارفان بوده است؛ اما اصل این امور به‌عنوان معارف پیشینی، باید پیش از دین اثبات شوند؛ البته مصادیق جزئی آن در برخی مواقع قابل دسترسی عقل نیست که دین به معرفی آن می‌پردازد. بنابراین، توجیه و تولید دانش مدیریت اسلامی، ماهیت عقلانی دارد و با استفاده از روش عقلی به دست می‌آید. البته در این کتاب، در برخی موارد از نقل نیز برای استشهاد و تأیید مطالب استفاده شده است. بنابراین، روش تحقیق در این کتاب، روش عقلی است که با روش نقلی، یعنی استفاده از کتاب (قرآن) و سنت همراه شده است. پی بردن به ملزومات معرفتی مجموعه گزاره‌هایی که ذیل نام مدیریت اسلامی جمع‌اند، از راه استدلال عقلی منطقی و با الهام از اصول و مبانی برگرفته از نقل، امکان‌پذیر است و از آنجا که این ملزومات به‌گونه‌ای اثبات شده در کتاب‌های فلسفی بیان و نیز در منابع نقلی دین (وحی و سنت) به آنها پرداخته شده‌اند، در اینجا با مراجعه به برخی کتاب‌های مرجع و بازگو کردن استدلال‌های عقلی و فلسفی و نیز بیان آیات و روایات، به ملزوماتی می‌پردازیم که می‌تواند تکیه‌گاه معرفتی مناسبی برای موضوع مدیریت اسلامی باشد.

۳. مفاهیم کلیدی

۳-۱. پیش فرض^۱

پیش فرض، یعنی «آنچه در ابتدای تحقیق، اقامه برهان یا بحثی، به عنوان پذیرفته شده قبول می شود (لاداند، ۱۳۷۷: ۶۱۵). نگرش به هستی، انسان و دیگر تمایلات متافیزیکی، از جمله پیش فرض هایی است که پیش از ورود به هر تحقیقی، به موضوعات و مسائل مورد تحقیق موجودیت می بخشند.

به کارگیری عنوان «پیش فرض» را برای این گونه نگرش ها و تمایلات، به دلیل اثبات ناپذیر بودن آنها دانسته اند. این نوع اثبات ناپذیری، ناشی از شک و تردیدهایی است که در فلسفه مغرب زمین بر مباحث متافیزیکی وارد کرده اند. اما از آنجا که این گونه مباحث در میان متفکران و فیلسوفان اسلامی از جایگاهی عقلی برخوردار است، به کار بردن عنوان «پیش فرض» برای چنین مباحثی، با قدری تسامح همراه است. انگیزه هم نوایی در گفتگو و مفاهمه، ما را بر آن داشت تا آنجا که امکان پذیر است از اصطلاحاتی استفاده کنیم که ابزار مناسبی برای ایجاد این ارتباط باشند. بنابراین، از دیدگاه شخص و یا اشخاصی که در صدد تدوین نظام مدیریت اسلامی هستند، مباحثی از مباحث متافیزیکی، اثبات پذیر بوده و باور آنها عقلانی است. در فرهنگ فکری ما، به جای پیش فرض اصطلاح «اصل موضوعی»^۲ در مورد بخشی از مباحث متافیزیکی به کار می رود و بیان کننده این معناست که این گونه مباحث، در جای مناسب خود مطرح و اثبات شده اند و اکنون به عنوان اصل موضوعه ثابت شده، در علم دیگری (مثل مدیریت) به کار می روند.

۳-۲. معرفت شناسی یا تئوری معرفت^۳

معرفت شناسی، یکی از موضوعات مهم فلسفه معاصر است که ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. موضوعاتی که در آن به بحث گذاشته می شود، عبارت اند از: طبیعت معرفت، منابع معرفت و حدود مرز معرفت (روتلیج، ۱۹۹۸: ۳۶۲). بنابراین، می توان

1. presupposition

2. postulation

3. theory of knowledge

معرفت‌شناسی را این‌گونه تعریف کرد: «علمی که درباره ماهیت معرفت‌های انسانی و کیفیت ارزیابی آن و امکان یا عدم امکان توجیه‌پذیری آن گفتگو می‌نماید» (ادوارد، ۱۹۶۷).

اما معرفت چیست و چه تعریفی برای آن ارائه شده است؟ تعریف شایعی که از این اصطلاح به عمل آمده عبارت است از: «باور صادق موجه».^۱ این تعریف به‌رغم اشکالاتی که گتیه در سال ۱۹۶۳ م به جامعیت و مانعیت آن وارد کرده است (گتیه، ۱۹۶۳: ۱۲۱-۱۲۳)، همچنان به‌عنوان تعریفی نسبتاً مطلوب از سوی معرفت‌شناسان پذیرفته شده است. همان‌گونه‌که بیان شد، این تعریف سه جزء اساسی دارد که ترکیب این اجزا سبب شکل‌گیری معرفت می‌شود: جزء نخست، «باور»،^۲ دلالت بر این دارد که فاعل شناسا زمانی می‌تواند ادعای معرفت به گزاره «الف» را داشته باشد که به آن باور داشته باشد؛ یعنی دارای حالتی اطمینان‌بخش به‌لحاظ روان‌شناختی باشد. به‌دیگرسخن، باور نوعی وضعیت روان‌شناختی در باورنده است؛ جزء دوم، «صدق» نیز دربردارنده این نکته است که هنگامی شناسنده می‌تواند ادعای معرفت به گزاره «الف» داشته باشد که آن گزاره صادق باشد و بنابراین، هیچ‌گاه باور کاذب نمی‌تواند معرفت تلقی شود؛ و جزء سوم، «توجیه»، بیان‌کننده این مطلب است که شناسنده چگونه به گزاره صادق «الف» باور پیدا کرده است (علی‌پور، بی‌تا؛ شمس، ۱۳۸۷؛ موزر و دیگران، ۱۹۹۸: ۲۸ و ۲۹). معرفت وقتی شکل می‌گیرد که شخص گزاره صادقی را براساس شواهد و مدارک کافی و قانع‌کننده باور کند، و آلا اگر کسی گزاره صادقی را نه براساس دلایل و شواهد کافی، بلکه مثلاً براساس «حدس صائب»^۳ بپذیرد، آنگاه نمی‌توان گفت که این شخص دارای معرفت است؛ بلکه تنها دارای اعتقادی صحیح است.

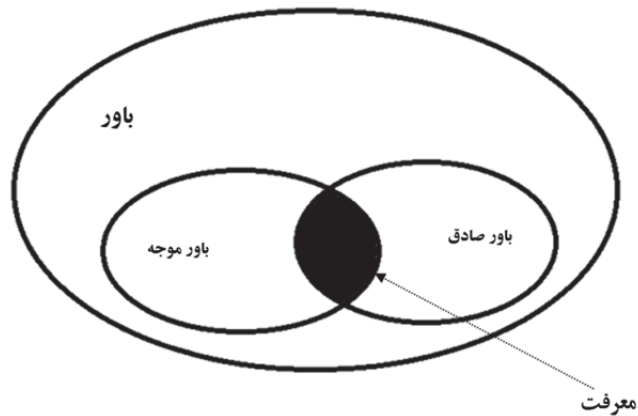
درواقع، جزء «توجیه» عبارت است از در دست داشتن شواهد و دلایل قانع‌کننده برای صادق بودن گزاره‌ای مانند «الف». اصطلاح «توجیه» کاربردهای مختلفی دارد؛ مقصود از این توجیه «توجیه معرفتی»^۴ است؛ توجیه معرفتی، یعنی اینکه شناسنده با به‌کارگیری دلایل و شواهدی بر اثبات صادق بودن گزاره «الف» اقدام به توجیه باور خود نسبت به آن گزاره می‌کند.

1. true justified belief

2. belief

3. lucky guess

4. epistemic justification



به لحاظ منطقی نسبت میان باورهای صادق و باورهای موجه، نسبت عموم و خصوص من وجه است، نه نسبت تساوی. این ارتباط را می توان به صورت نمودار ون ترسیم کرد. همان گونه که از نمودار به دست می آید در گسترده باورهای انسانی تنها زمانی معرفت (قسمت سیاه رنگ) حاصل می شود که شرط صدق و توجیه برای آن باور وجود داشته باشند. به دیگر سخن، هر باور موجهی لزوماً صادق نیست و هر باور صادقی هم می تواند موجه نباشد؛ یعنی، امکان خطا در همه گزاره های معرفتی، با فرض بودن توجیه، وجود دارد. این احتمال وجود دارد که یک گزاره ای دلایل و شواهد قانع کننده ای داشته و در نزد شناسنده موجه باشد، با وجود این، در عالم واقعیت، صادق نباشد و در یک کلام، صدق، شرط ضروری یک گزاره موجه نیست. از این روی، از نظر آلستون، توجیه، دست کم دارای چهار مشخصه است:

۱. توجیه، دارای موضوع و متعلق خاصی است و موضوع توجیه باور است؛
۲. توجیه، یک مفهوم ارزش یابانه است؛ از این رو، داشتن توجیه برای یک باور از ارزش مثبت برخوردار است؛
۳. هدف از توجیه باور این است که هر چه بیشتر باورهای صادق به دست آوریم و از شمار باورهای کاذب در مجموعه باورهایمان بکاهیم؛
۴. توجیه دارای مرتبه های گوناگونی است؛ یعنی براساس نوع شواهد و دلایل برای صادق بودن باوری خاص، می توان مرتبه های مختلفی از توجیه را تصور کرد (علی پور و آلستون، ۱۹۸۹: ۸۳ و ۸۴).

خلاصه مبحث

- مدیریت اسلامی به‌عنوان مجموعه‌ای از قضایا که درباره موضوعی خاص، با روشی خاص بحث می‌کند، بر پیش‌فرض‌هایی استوار است؛
- این پیش‌فرض‌ها در سه دسته هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی قرار می‌گیرند؛
- مزایای طرح مفروضات پیشینی مدیریت اسلامی عبارت است از: آشکارشدن جایگاه مدیریت اسلامی در میان دیگر مقوله‌های معرفتی، حل تعارض احتمالی میان برخی گزاره‌های مدیریت اسلامی با علم مدیریت، اعطای توانایی نگاه عمیق و پرهیز از نگاه سطحی به تأیید ظاهری گزاره‌های دینی و مدیریتی؛
- گفتگو از پیش‌فرض‌های مدیریت اسلامی، بحثی درجه یک و پیشینی محسوب می‌شود؛
- پیش‌فرض، یعنی آنچه در ابتدای تحقیق، اقامه برهان یا بحثی، به‌عنوان پذیرفته‌شده، قبول می‌شود؛
- معرفت‌شناسی علمی است که درباره ماهیت معرفت‌های انسانی و کیفیت ارزیابی آن و امکان یا عدم امکان توجیه‌پذیری آن گفتگو می‌نماید؛
- معرفت عبارت است از باور صادق موجه. «باور» یعنی اطمینان روانی به یک گزاره، «موجه» یعنی اطمینان پیدا شده براساس شواهد و مدارک قانع‌کننده باشد.

پرسش‌ها

۱. تأثیر پیش‌فرض‌ها بر گزاره‌های مدیریتی دینی را توضیح دهید.
۲. معرفت‌شناسی به چه مباحثی می‌پردازد؟
۳. اجزای یک معرفت را برشمرده و منظور از هر یک را شرح دهید.
۴. مشخصات یک توجیه از دیدگاه آلستون را توضیح دهید.

بحث و پژوهش

تعریف‌ها و تفاوت‌های معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی را بیابید و درباره تقدم و تأخر آنها بحث و تحقیق کنید.

منابعی برای بحث و پژوهش

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۴-۱۳۶۵)، آموزش فلسفه، تهران: معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی.

مبحث دوم: نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی

■ هدف کلی: درک انواع نظریه‌های ساختار توجیه معرفتی

■ اهداف آموزشی مبحث دوم

براساس هدف مرحله‌ای این مبحث، انتظار از خواننده آن است که پس از مطالعه مطالب بتواند:

۱. مفهوم و ضرورت توجیه استنباطی را بیان کند؛
۲. نظریه انسجام‌گرایی معرفتی را شرح دهد؛
۳. نظریه مبناگرایی معرفتی و اقسام آن را توضیح دهد؛
۴. تعریف باورهای پایه و غیرپایه، ویژگی، تفاوت و منبع اخذ هر یک را بداند.

مقدمه

باورهای انسان متفاوت‌اند و برخی از باورهای آدمی، توجیه خود را از باورهای دیگر می‌گیرند. این‌گونه توجیه را توجیه استنباطی^۱ می‌نامند. اما سؤال اساسی اینجاست که مستند توجیه باورهای اخیر چیست؟ پاسخ طبیعی آن است که این باورها نیز خود توجیه‌شان را از باورهای دیگر دریافت می‌کنند. می‌توان پرسش پیشین را درخصوص باورهای اخیر نیز تکرار کرد؛ اما این پرسش و پاسخ مکرر از توجیه باورها را تا کجا می‌توان ادامه داد؟ این تسلسل می‌تواند به نوعی به شکاکیت معرفتی منتهی شود. از آنجاکه یکی از مؤلفه‌های سازنده معرفت، احراز شرط توجیه است و آن، متوقف بر وجود شواهد و دلایل کافی و قانع‌کننده بر باور به گزاره معرفتی خاصی است، شکاکیت می‌تواند مانع جدی برای شکل‌گیری یک گزاره معرفتی باشد.

برای پرهیز از این تسلسل که سرانجام آن شکاکیت نامطلوب است، معرفت‌شناسان درصدد برآمدند تا نظریه‌هایی را در رفع این مشکل ارائه دهند که در این مبحث به آنها اشاره می‌شود.

۱. انسجام‌گرایی معرفتی^۲

این نظریه در پی پایان دادن به تسلسل در ساختار توجیه معرفتی است؛ به‌گونه‌ای که بتواند از

1. inferential justification

2. epistemic coherence